

تحلیل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از آرتیکل‌های زبان فرانسه

محمدرضا فارسیان (دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

farsian@um.ac.ir

سارا جوانمردی (کارشناس ارشد زبان فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

saraa_javanmardii@yahoo.com

چکیده

آرتیکل یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در زبان فرانسه است. در روند یادگیری زبان فرانسه، این عنصر پویا و پیچیده به‌عنوان یکی از مشکلات اساسی زبان‌آموزان فارسی‌زبان مطرح می‌شود، چرا آرتیکل‌ها در زبان فارسی، به همان شکل و ساختاری زبان فرانسه وجود ندارند. بنابراین با استفاده از روش تجربی، پرسش‌نامه‌هایی به‌منظور ارزیابی توانایی زبان‌آموزان ایرانی در کاربرد آرتیکل فرانسه، در سه سطح مقدماتی، متوسطه و پیشرفته تهیه و در اختیار زبان‌آموزان قرار گرفت تا بتوان به این سؤال پاسخ داد که مهم‌ترین موارد خطا در استفاده از آرتیکل‌ها کدام‌اند و راه‌های مقابله با این خطاها چیست؟ نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیش‌ترین موارد خطا در کاربرد آرتیکل‌ها ناشی از تأثیر منفی زبان مادری و گاه ناشی از تداخل زبان مادری با زبان خارجی مقصد است. همچنین ممکن است، زبان‌آموز به‌دلیل آشنا نبودن با قواعد یا بی‌اطلاعی از برخی نکات دستوری مرتکب خطا شود.

کلیدواژه‌ها: تحلیل خطای زبان‌آموزان، آموزش زبان، آرتیکل، زبان فرانسه، زبان‌شناسی

۱. مقدمه

زبان فرانسه از جمله زبان‌های رومی و دومین زبان مدرن دنیاست. در ایران، زبان فرانسه بعد از زبان انگلیسی دومین زبان محبوب است. زبان فرانسه از عهد صفویه در ایران مورد توجه قرار گرفت. این زبان، به‌ویژه در دوره قاجار از طریق ترجمه کتاب‌های درسی دارالفنون که در اصل به فرانسه بود، رونق گرفت و بر اثر احیای صنعت چاپ گسترش یافت. از آنجا که دانشجویان بیشتر به فرانسه اعزام می‌شدند، زبان فرانسه در کشور رایج شد و گسترش پیدا کرد (برازش، ۱۳۸۸، ص. ۴۵).

در این پژوهش، با توجه به طیف قابل توجه آموزش دانشگاهی و غیر دانشگاهی زبان فرانسه در ایران، به میزان و علت خطاهای زبان‌آموزان در روند به‌کارگیری آرتیکل‌ها^۱ که ابتدایی‌ترین و در عین حال پویاترین عنصر زبان‌شناسی این زبان است، پرداخته‌ایم.

پژوهش‌هایی که تاکنون در زمینه فراگیری زبان دوم انجام شده حاکی از آن است که بیشتر زبان‌آموزان نمی‌توانند مهارت‌های لازم را هم سطح با گویشورانی که به زبان مادری تکلم می‌کنند، کسب نمایند. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، تشابه عناصر در ساختار زبان مادری و زبان دوم می‌تواند نقش تأثیرگذاری در فراگیری زبان دوم داشته باشد (پرویزی، ۱۳۹۱، ص. ۷).

از لحاظ ساختار، تفاوت‌هایی میان زبان فرانسه و فارسی وجود دارد. چنین تفاوت‌های ساختاری باعث درگیری ذهنی زبان‌آموزان گردیده است. یکی از تفاوت‌های ساختاری که اکثر زبان‌آموزان را از همان ابتدا دچار مشکل می‌کند، آرتیکل‌ها و نحوه به‌کارگیری آن‌هاست. در زبان فارسی، مفهومی به‌عنوان آرتیکل وجود ندارد و همین تفاوت ساختاری میان زبان مادری و زبان دوم باعث درگیری زبان‌آموزان می‌گردد. آرتیکل معین و نامعین مفهومی است که در برخی از زبان‌های

۱. در زبان فارسی ترجمه مناسب برای کلمه **article** همان حرف تعریف است، اما از آنجایی که حروف تعریف در زبان فرانسه مبحث گسترده‌ای است که فراتر از بحث مورد نظر ماست، ترجیح دادیم از همان واژه آرتیکل استفاده کنیم.

خارجی مانند آلمانی، اسپانیایی و غیره وجود دارد و زبان‌آموزان در روند فراگیری این زبان‌ها نیز با مشکل چگونگی به‌کارگیری آرتیکل مواجه می‌شوند. تحقیقاتی که فرناندز (۱۹۹۱) میان زبان‌آموزان فرانسوی، آلمانی، ژاپنی و عرب‌زبان در زمینه به‌کارگیری آرتیکل معین اسپانیایی انجام داده است، بیانگر همین مطلب است. نتیجه این تحقیق، بیانگر این مطلب است که بیش‌ترین درصد خطا مربوط به گروه ژاپنی‌هاست، چراکه در زبان ژاپنی نیز همانند برخی از زبان‌های دیگر همچون زبان فارسی عنصر زبان‌شناسی معادل با آرتیکل وجود ندارد.

بنابراین باید گفت وجود یک عنصر مشابه در ذهن زبان‌آموزان تأثیر قابل توجهی بر کاهش درصد خطا خواهد داشت. زبان‌آموزان ایرانی نیز در روند یادگیری زبان فرانسه، زبانی که عنصری همچون آرتیکل با تمام کلمات آن عجین است، دچار خطا و مشکل می‌شوند. درصد بالای خطای زبان‌آموزان در کاربرد آرتیکل‌های زبان فرانسه ما را بر آن داشت تا پژوهشی را در این زمینه انجام دهیم. در این پژوهش، دو هدف اساسی را دنبال می‌کنیم. نخست به دنبال شناسایی خطاهای زبان‌آموزان در به‌کارگیری آرتیکل‌های فرانسه بوده‌ایم و سپس یافتن علل بروز این دسته از خطاها را در دستور کار خود قرار داده‌ایم. لازم به ذکر است که تاکنون پژوهش‌هایی توسط محققان ایرانی درباره تحلیل خطاهای زبان‌آموزان فارسی‌زبان در به‌کارگیری آرتیکل‌ها در برخی از زبان‌های خارجی به غیر از زبان فرانسه انجام شده است. در این میان، می‌توان به مقاله دکتر پرویزی با عنوان «بررسی علل خطاهای زبان‌آموزان در به‌کارگیری حروف تعریف زبان اسپانیایی» مقاله دکتر توران جمشیدیان با عنوان «کاربرد حرف تعریف توسط زبان‌آموزان خارجی» اشاره کرد.

۲. روش پژوهش

در این تحقیق، به‌منظور بررسی علل پدید آمدن خطای زبان‌آموزان در به‌کارگیری آرتیکل‌های زبان فرانسه از روش تحقیقی علی استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، زبان‌آموزان ایرانی‌اند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، نمونه انتخاب‌شده از جامعه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (به‌عنوان یک

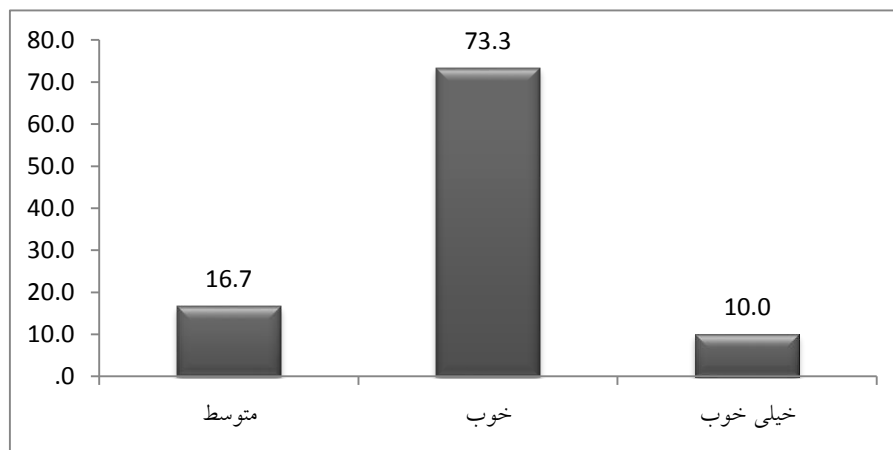
روش غیرتصادفی) و با ملاک جنسیت (زن و مرد) و سطح زبان‌آموزان (مقدماتی، متوسط و پیشرفته) انتخاب شده است. تحلیل آماری صورت گرفته نیز با استفاده از آمار استنباطی، بر اساس جمع‌آوری اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه‌ها تهیه شده است. در این پرسش‌نامه‌ها از زبان‌آموزان خواسته شد تا به سؤالاتی که برای ارزیابی آن‌ها درباره کاربرد آرتیکل‌ها طراحی شده‌اند، پاسخ دهند. زبان‌آموزان می‌بایست با توجه به قواعد دستوری اکتسابی و نیز با تعبیر و درک معنای صحیحی که از جملات دارند، آرتیکل مناسب را به‌کار گیرند. سپس پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده توسط زبان‌آموزان در هر یک از سه سطح، با معیار به‌کارگیری درست و نادرست آرتیکل، بررسی شد و نتایج اطلاعات آماری به‌دست آمده در جدول‌ها و نمودارهای جداگانه‌ای ارائه شد. مجموعه این نتایج و اطلاعات، امکان شناسایی خطاها و نیز بررسی علل بروز آن‌ها را فراهم آورده است.

پرسش‌نامه‌های تهیه‌شده برای پژوهش حاضر، شامل ۴۰ سؤال بوده است. در این سؤالات از زبان‌آموزان خواسته شد آرتیکل مناسب را شامل آرتیکل‌های معین، نامعین، بخش‌نما و مشتقات آن‌ها را متناسب با ساختار و معنای جمله به‌کار برند. جامعه آماری مورد نظر شامل ۹۰ زبان‌آموز ایرانی است. زبان‌آموزان دانشگاه فردوسی مشهد که در سه سطح ابتدایی، متوسط و پیشرفته (دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم) مشغول یادگیری زبان فرانسه بوده‌اند (دانشجویان سال دوم را به این علت در رده ابتدایی جای داده‌ایم که سال اول رشته زبان فرانسه به گذراندن دروس پیش‌نیاز سپری می‌شود و در واقع ورود جدی افراد به دروس دانشگاهی از جمله گرامر، از سال دوم می‌باشد). همان‌طور که گفته شد، ابزار گردآوری خطاها در این پژوهش، پاسخ زبان‌آموزان به سؤالات پرسش‌نامه‌های مورد نظر بوده است. پس از بررسی نمرات سطوح مختلف، نمودارها و جدول‌هایی تهیه و تنظیم شدند که نشانگر سطح علمی زبان‌آموزان در به‌کارگیری آرتیکل‌های زبان فرانسه می‌باشند.

جدول ۱. تعداد و درصد آزمودنی‌ها از نظر نمرات سطح ابتدایی

نمره	فراوانی	درصد
۱۰ و کمتر (ضعیف)	۰	۰
بین ۱۰ تا ۲۰ (متوسط)	۵	۱۶/۷
بین ۲۰ تا ۳۰ (خوب)	۲۲	۷۳/۳
بین ۳۰ تا ۴۰ (خیلی خوب)	۳	۱۰
مجموع	۳۰	۱۰۰

طبق جدول ۱، نمره سطح ابتدایی غالب آزمودنی‌ها ۷۳/۳ درصد و بین ۲۰ تا ۳۰ می‌باشد.



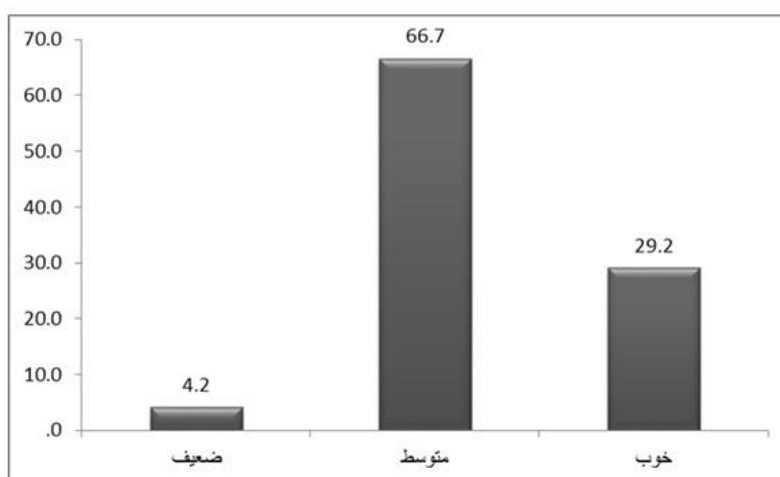
نمودار ۱. زبان‌آموزان سطح ابتدایی

طبق نمودار ۱ که برای زبان‌آموزان سطح ابتدایی تهیه شده است. زبان‌آموزانی که نمره ۱۰ یا کمتر داشته‌اند در سطح ضعیف تعریف شده‌اند، زبان‌آموزانی با امتیاز بین ۱۰ تا ۲۰ در سطح متوسط، زبان‌آموزانی با امتیاز بین ۲۰ تا ۳۰ در سطح خوب و در نهایت زبان‌آموزانی با امتیاز بین ۳۰ تا ۴۰ در سطح خیلی خوب قرار گرفته‌اند. طبق جدول به‌دست‌آمده، در میان زبان‌آموزان سطح ابتدایی، نمره ۱۰ یا کمتر وجود نداشته است.

جدول ۲. نمرات سطح متوسط

درصد	فراوانی	نمره
۴/۲	۱	۱۰ و کمتر (ضعیف)
۶۶/۷	۱۹	بین ۱۰ تا ۲۰ (متوسط)
۲۹/۲	۱۰	بین ۲۰ تا ۳۰ (خوب)
۰	۰	بین ۳۰ تا ۴۰ (خیلی خوب)
۱۰۰	۳۰	مجموع

طبق جدول ۲ نمره سطح متوسط بیشتر آزمودنی‌ها ۶۶/۷ درصد و بین ۱۰ تا ۲۰ می‌باشد.



نمودار ۲. زبان‌آموزان سطح متوسط

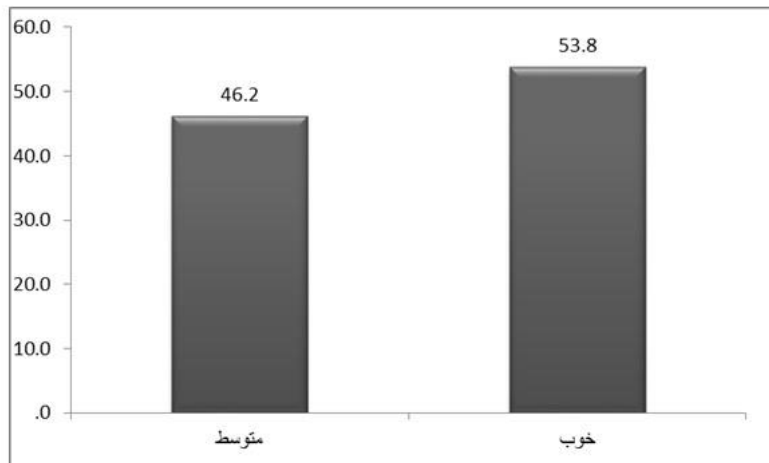
طبق نمودار ۲ که برای زبان‌آموزان سطح متوسط تهیه شده است، زبان‌آموزانی که نمره ۱۰ یا کمتر داشته‌اند در سطح ضعیف، زبان‌آموزانی با نمره بین ۱۰ تا ۲۰ در سطح متوسط، زبان‌آموزانی با نمره بین ۲۰ تا ۳۰ در سطح خوب و زبان‌آموزانی با امتیاز بین ۳۰ تا ۴۰ در سطح خیلی خوب قرار گرفته‌اند. همان‌طور که مشاهده

می‌شود میان زبان‌آموزان سطح متوسط امتیاز بین ۳۰ تا ۴۰ کسب نشده است. بنابراین، نمودار به‌دست‌آمده به شکل زیر است.

جدول ۳. تعداد و درصد آزمودنی‌ها از نظر نمرات سطح پیشرفته

درصد	فراوانی	نمره
۰	۰	۱۰ و کمتر ۱۰ (ضعیف)
۴۶/۲	۱۸	بین ۱۰ تا ۲۰ (متوسط)
۵۳/۸	۱۴	بین ۲۰ تا ۳۰ (خوب)
۰	۰	بین ۳۰ تا ۴۰ (خیلی خوب)
۱۰۰	۳۰	مجموع

طبق جدول ۳ نمره سطح پیشرفته بیشتر آزمودنی‌ها ۵۳/۸ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ است.

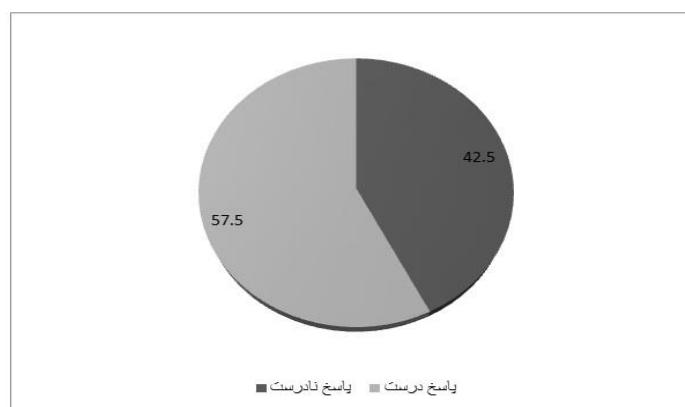


نمودار ۳. زبان‌آموزان سطح پیشرفته

طبق نمودار ۳ که برای زبان‌آموزان سطح پیشرفته تهیه شده است، امتیاز ۱۰ یا کمتر، نشانگر سطح ضعیف، امتیاز بین ۱۰ تا ۲۰ نشانگر سطح متوسط، امتیاز بین ۲۰

تا ۳۰ نشانگر سطح خوب و امتیاز ۳۰ تا ۴۰ نشانگر سطح خیلی خوب برای زبان آموزان است.

همان طور که ملاحظه می شود میان زبان آموزان سطح پیشرفته امتیاز ۱۰ یا کمتر وجود نداشته است. از سوی دیگر میان آن ها امتیاز بین ۳۰ تا ۴۰ هم وجود نداشته است. بنابراین نمودار به دست آمده تنها در دو سطح متوسط و خوب تعریف است. پس از بازنگری تمامی نمودارها و جدول های به دست آمده، نمودار جامعی شامل نتایج هر سه سطح ابتدایی، متوسط و پیشرفته تهیه و تصویری از نتایج کلی این آزمون داده آمده است.



نمودار ۴. نتایج سه سطح ابتدایی، متوسط و پیشرفته

در نتایج حاصل از این پژوهش درصد خطای زبان آموزان در کاربرد آرتیکل ها قابل توجه و تأمل است که در بخش بحث و بررسی به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

۳. بحث و بررسی

جایگاه آرتیکل ها در زبان فرانسه

آرتیکل گاهی برای زبان آموزان گیج کننده است، چراکه در زبان فرانسه آرتیکل ها باید با اسمی که پس از آن ها می آید، همخوانی داشته باشد. از سوی دیگر، در زبان

فارسی آرتیکل به همان شکل، مفهوم و ساختاری که در زبان فرانسه وجود دارد، نداریم. طبق قاعده‌ای کلی، همه اسم‌ها در زبان فرانسه با آرتیکل می‌آیند مگر آنکه قبل از آن‌ها تعیین‌کننده‌های دیگری (déterminant) مانند صفت ملکی، صفت اشاره یا غیره بیاید یا اینکه در مواردی خاص که طبق قواعد دستوری زبان فرانسه، حذف آرتیکل الزامی است.

در زبان فرانسه آرتیکل‌ها به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

۱. آرتیکل معین
۲. آرتیکل نامعین
۳. آرتیکل بخش‌نما
۴. آرتیکل معین ترکیبی

آرتیکل معین

در زبان فرانسه ۴ شکل آرتیکل معین داریم.

Le برای اسم مفرد مذکر و La برای اسم مفرد مؤنث

Le livre	کتاب کلمه‌ای مذکر
La table	میز کلمه‌ای مؤنث

Les برای اسم‌های مذکر و مؤنث در حالت جمع

Les hommes	مردان
Les femmes	زنان

اگر اسم با حروف صدادار یا h بی‌صدا شروع شود Le و La به L' تبدیل خواهد

شد.

L'école	مدرسه (مؤنث)
L'hôtel	هتل (مذکر)

بنابراین شکل آرتیکل در زبان فرانسه بسته به جنسیت، شمار و حرف اول اسم متفاوت است (گرگور^۱، ۲۰۱۰، ص. ۳۶).
در واقع آرتیکل معین به یک اسم به خصوص (به عبارت دیگر معرفه) اشاره می‌کند.

Je vais à la banque.

به بانک می‌روم.

بانک در اینجا اسم معرفه است.

J'ai lu le livre que j'avais acheté.

کتابی را که خریده بودم، خواندم.

J'aime le café.

من قهوه دوست دارم.

در نمونه بالا هم مانند نمونه بانک، قهوه یک اسم شناخته شده (معرفه) برای گوینده و مخاطب است.

آرتیکل نامعین

آرتیکل نامعین مفرد در زبان فرانسه با عبارت‌های «یک» یا «یک...ی» و آرتیکل نامعین جمع در زبان فرانسه، با کلمه «تعدادی» در زبان فارسی همخوانی دارد. سه شکل آرتیکل نامعین در زبان فرانسه وجود دارد.

۱. un برای اسم مفرد مذکر

۲. une برای اسم مفرد مؤنث

۳. des برای اسامی جمع در حالت مذکر و مؤنث

آرتیکل‌های نامعین به‌طور معمول به شخص یا چیز نامشخصی اشاره می‌کند (دلاتور^۲، ۱۹۹۶، ص. ۱۱۱).

J'ai trouvé un livre.

کتابی را پیدا کردم.

Il veut une pomme.

1. Grégoire

2. Delatour

او یک سیب می‌خواهد.

در مثال‌های بالا سخنی از «یک کتاب» و «یک سیب» است، اما مشخص نیست که آن کتاب چه کتابی است یا آن سیب دارای چه ویژگی‌هایی است.

لازم به ذکر است که در مثال‌های بالا منظور از «یک» عدد ۱ نیست بلکه کلمه‌ای است که از اسم حالت نکره می‌سازد.

آرتیکل نامعین جمع به معنی «تعدادی» یا «چندتایی» است.

J'ai acheté des livres.

چندتایی کتاب خریدم.

آرتیکل بخش‌نما

آرتیکل بخش‌نما را در زبان فارسی می‌توان «یک مقداری» معنی کرد. البته در زبان فارسی چنین عباراتی در گفتگوهای روزمره به کار نمی‌رود.

چهار شکل آرتیکل بخش‌نما در زبان فرانسه وجود دارد.

۱. du برای اسم مفرد مذکر

۲. de la برای اسم مفرد مؤنث

۳. de l' برای اسم مفرد مذکر یا مؤنث که با حرف صدادار یا h بی‌صدا شروع

شود.

۴. des برای اسامی جمع در حالت مذکر یا مؤنث

بنابراین شکل آرتیکل بخش‌نما در زبان فرانسه بسته به جنسیت، شمار و حرف اول اسم متفاوت است.

آرتیکل بخش‌نما به یک مقدار نامعلوم از چیزی اشاره می‌کند (پارسایار، ۱۳۸۵، ص. ۱۷).

Vous buvez du thé?

چای می‌خوری؟

J'ai mangé de la salade.

مقداری سالاد خوردم.

همان‌طور که بیان شد، در زبان فارسی مفهومی به‌عنوان آرتیکل معین، نامعین و بخش‌نما وجود ندارد. حال به بررسی چگونگی مفهوم حرف تعریف در زبان فارسی می‌پردازیم؛ چراکه تشابه عناصر دستوری در ساختار زبان مادری و زبان دوم می‌تواند نقش بسزایی در فراگیری زبان دوم داشته باشد.

حرف تعریف در دستورهای سنتی زبان فارسی وابسته پیشین اسم تلقی شده و شامل عناصری مانند این، آن، همین، همان و... است (معین، ۱۳۶۳، ص. ۴۵).

در واقع در بسیاری از منابع دستور زبان فارسی، معین یا نامعین بودن مرجع را به بودن یا نبودن نشانه نکره (یک/ی) وابسته می‌دانند و زمانی که در گروه اسمی نشانه نکره ظاهر نشود، دال بر معین بودن مرجع است (قریب، ۱۳۶۶، ص. ۲۶-۲۸؛ معین، ۱۳۶۳، ص. ۴۲). برخی دیگر، علاوه بر نشانه نکره، صفات اشاره و برخی کلمات استفهام را نیز جزو نشانگرهای گروه اسمی می‌دانند (قریب، ۱۳۶۶، ص. ۳۲-۳۳). گاهی نیز معین بودن مرجع بدون نشانه \emptyset تعیین می‌شود. به‌کارگیری هر یک از این نشانگرها درجه معین بودن مرجع را تعیین می‌کنند.

مثال: ۱. «یک صندلی، یک کیف»

۲. «آن دست، آن درخت» «کدام لباس، کدام گل»

۳. « \emptyset کتاب را به علی دادم»

علاوه بر آنچه گفته شد، از آنجا که زبان‌آموزان ایرانی در طول دوران تحصیل خود با زبان انگلیسی و عربی نیز تا حدی آشنایی پیدا می‌کنند در روند یادگیری این زبان‌ها، تعریف و تصویری از حرف تعریف در ذهن خود می‌سازند دلیلش همان‌طور که بیان شده آن است که در زبان فارسی، زبان مادری زبان‌آموزان ایرانی، عنصری همانند آرتیکل فرانسه وجود ندارد و در واقع، آشنایی فارسی‌زبانان با حرف تعریف از طریق زبان عربی و انگلیسی بوده است.

حرف تعریف در زبان انگلیسی

در زبان انگلیسی حروف تعریف از دسته صفات اشاره‌اند و به دو گروه، حرف تعریف معین the و حرف تعریف نامعین a یا an تقسیم می‌شوند. در این زبان اگر

بخواهند اسمی را معرفی کنند قبل از آن اسم، حرف تعریف معین *the* به کار می‌برند. در واقع اگر شخص یا شیء مورد نظر گوینده، برای شنونده معلوم باشد گوینده از این نوع حرف تعریف استفاده می‌کند. حرف تعریف نامعین *a* و *an* هنگامی که برای اولین بار به کسی یا چیزی اشاره می‌کنیم، به کار برده می‌شود (آژنگ، ۱۳۷۳، ص. ۸۰). در زبان عربی نیز الف و لام حرف تعریف است که باعث معرفه شدن اسم نکره می‌گردد. در صورت عدم وجود این نشانه‌ها، اسم در نکره باقی خواهد بود (اشرف‌الکتابی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶).

ملاحظه می‌کنید که مفهوم حرف تعریف در زبان انگلیسی و عربی نیز تا حدودی با آنچه ما به عنوان آرتیکل در زبان فرانسه در نظر می‌گیریم، متفاوت است. نتیجه حاصل از پژوهش انجام شده نشان می‌دهد درصد خطاهای زبان‌آموزان فارسی‌زبان در به‌کارگیری آرتیکل‌های معین، نامعین و بخش‌نما در زبان فرانسه بسیار قابل توجه است. خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در به‌کارگیری آرتیکل‌ها، شامل خطاهای دستوری و خطاهای معنایی می‌شود. هرچند در اکثر کتب و منابع آموزشی زبان فرانسه، قواعد دستوری مربوطه به‌کارگیری درست و مناسب آرتیکل‌ها توضیح داده شده است. از سوی دیگر، اولین و مهم‌ترین نکته دستوری که زبان‌آموزان در روند یادگیری این زبان با آن مواجهه می‌شوند مفهوم آرتیکل است، اما زبان‌آموزان همچنان از نظر دستوری در به‌کارگیری آرتیکل‌ها دچار مشکل‌اند. برای مثال، در تمامی منابع آموزشی این نکته ذکر شده است که بعد از برخی از افعال فرانسوی، در صورت استفاده از اسم، کاربرد آرتیکل معین اجتناب‌ناپذیر و الزامی است. برای نمونه می‌توان به افعالی مانند *aimer*, *préférer*, *détester* و مشتقات آن‌ها اشاره کرد. با این همه، با کوچک‌ترین تغییری، زبان‌آموز دیگر قادر به تشخیص آرتیکل صحیح نمی‌باشد.

مثال: *J'aime la musique classique*

در این مثال زبان‌آموز با دیدن فعل *aimer* و با فرض اینکه از اصول گرامری مربوط آگاهی داشته باشد، باید از آرتیکل معین استفاده کند، اما زبان‌آموز ناخودآگاه

و گاه از طریق ترجمه به زبان فارسی به سراغ آرتیکل‌های دیگری غیر از آرتیکل‌های معین می‌روند.

نکته دیگر این که در تمامی دستورات گرامری زبان‌آموزان به این نکته بر می‌خورند که بعد از فعلی همچون فعل *Faire* چنانچه اسم مورد استفاده مربوط به فعالیت ورزشی، فرهنگی یا رشته تحصیلی باشد، یا اینکه آن اسم نام آلت موسیقی باشد، باید از آرتیکل بخش‌نما برای کلمه مورد نظر استفاده کرد، اما با کمی تغییر در سؤالات پرسش‌نامه‌های داده‌شده به زبان‌آموزان، باز هم در این مورد خاص خطا دیده می‌شود.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

او تنیس بازی می‌کند.

کاربرد نادرست آرتیکل: *Je fais le tennis*

کاربرد صحیح: *Je fais du tennis*

در تمام نمونه‌های بالا که پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها به دست آمده، زبان‌آموز به غلط از آرتیکل معین را به جای آرتیکل بخش‌نما استفاده کرده است.

از سوی دیگر، در توضیح آرتیکل بخش‌نما گفته شد که این گونه آرتیکل، نشانگر مقدار نامعین است. البته تشخیص استفاده از آرتیکل بخش‌نما تا حدودی به معنای کلمه نیز باز می‌گردد. در واقع، برای تشخیص آرتیکل بخش‌نما زبان‌آموزان باید هم به ساختار جمله توجه داشته باشند و هم به مفهوم آن.

به نمونه زیر توجه کنید:

مقداری نان می‌خورم.

کاربرد صحیح: *Je mange du pain*

در این مثال، زبان‌آموز باید به یاد داشته باشد که کلمه نان واژه‌ای است که برای استفاده از آن در این جمله باید از آرتیکل بخش‌نما استفاده کرد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، آرتیکل بخش‌نما برای بیان مقدار و کمیت نامشخص به کار می‌رود. در این جمله نیز مقدار نان مشخص نیست. از سوی دیگر کلمه نان چنانچه بدون آرتیکل

بخش‌نما به‌کار رود، به‌معنای نان در مفهوم عام و کلی است (میکل^۱، ۲۰۰۴، ص. ۱۴).

مانند این جمله: من نان دوست دارم *J'aime le pain*

در واقع، کاربرد و مفهوم آرتیکل بخش‌نما دشوارترین بخش کاربرد آرتیکل‌هاست، چراکه زبان‌آموزان ایرانی هیچ‌گاه با چنین مفهومی آشنایی نداشته‌اند و این نوع آرتیکل‌ها مفهومی غریب در ذهن آن‌هاست. از سوی دیگر، در روند یادگیری زبان، زبان‌آموزان همواره زبان مادری را با زبان خارجی مد نظر مقایسه می‌کنند. آن‌ها سعی دارند از طریق ترجمه مفاهیم و معادل‌سازی آن‌ها با زبان مادری، خود را به مفاهیم زبان دوم نزدیک کنند و همین مسئله در زمینه آرتیکل‌ها بسیار مشکل‌ساز است. بار دیگر باز می‌گردیم به همان مثال قبلی، اگر در مثال نان، زبان‌آموز بخواهد از زبان مادری یعنی زبان فارسی کمک بگیرد، دچار مشکل خواهد شد؛ چراکه در زبان فارسی روزمره ما می‌گوییم «نان می‌خورم»؛ هرچند که در مورد مواد غذایی و خوراکی‌ها این مسئله تا حدی برای زبان‌آموز قابل درک است. مشکل اصلی آنجاست که برای بیان برخی از مفاهیم نیز در زبان فرانسه باید از آرتیکل بخش‌نما استفاده شود.

به مثال زیر دقت کنید:

من شانس دارم.

کاربرد نادرست حرف تعریف: *J ai la chance*

کاربرد صحیح حرف تعریف: *J' ai de la chance*

در این مثال، اگر زبان‌آموز بخواهد از زبان مادری خود کمک بگیرد دچار مشکل خواهد شد. حتی اگر بخواهد از زبان انگلیسی یا عربی هم گرته‌برداری کند باز هم دچار مشکل خواهد شد؛ چراکه چنین مفهومی در زمینه آرتیکل نه در زبان انگلیسی

1. Miquel

وجود دارد و نه در زبان عربی. در واقع کاربرد آرتیکل بخش‌نما در زبان فرانسه بسیار پیچیده است و تنها به مواردی که به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره شد محدود نمی‌شود.

نکته دیگری که پس از بررسی پرسش‌نامه‌ها و خطاهای زبان‌آموزان در به‌کارگیری آرتیکل‌ها به چشم می‌خورد، خطای زبان‌آموزان در به‌کارگیری آرتیکل‌های معین ترکیبی است. آرتیکل‌های معین ترکیبی از ترکیب حروف اضافه de و à با آرتیکل‌های معین به‌دست می‌آیند. هنگامی که فعل جمله دارای یکی از حروف اضافه à یا de باشد، اسمی که بعد از یکی از این حروف اضافه می‌آید، آرتیکلش در صورتی که آرتیکل معین باشد، با این حروف ادغام می‌شود و آرتیکل‌های ترکیبی را می‌سازد.

à+le=au

à+la=à la

à+l'=à l'

à+les=aux

de+le=du

de+la=de la

de+l'=de l'

de+les=des

پس از بررسی خطاهای زبان‌آموزان این نتیجه حاصل شد که در کاربرد آرتیکل‌های ترکیبی چنانچه زبان‌آموزان بتوانند آرتیکل مورد نظر و حرف اضافه مناسب یعنی à یا de را تشخیص دهد، مشکل چندانی در به‌کارگیری این دسته از حروف تعریف نخواهند داشت؛ اما در صورتی که زبان‌آموز بخواهد هم آرتیکل را تشخیص دهد و هم حرف اضافه مورد نظر را، با مشکل مواجه خواهد شد. به دو جمله زیر توجه کنید.

1. Il est sorti d'une librairie

او از یک کتاب‌فروشی بیرون آمد.

2. Il est sorti de la librairie de monsieur Martin

او از کتاب‌فروشی آقای مارتین بیرون آمد.

در مثال اول زبان‌آموز باید بداند که فعل sortir همراه با حرف اضافه de به کار می‌رود. علاوه بر این باید تشخیص دهد که برای کلمه librairie باید از آرتیکل

نامعین استفاده کند، چراکه هیچ نشانه‌ای از ویژگی‌های کتابخانه در دست نیست. در مثال دوم علاوه بر تشخیص حرف اضافه فعل *sortir* زبان‌آموز باید بداند که برای کلمه کتابخانه به واسطه توضیحی که پس از آن آمده است باید از آرتیکل معین استفاده کند. این موضوع زمانی سخت‌تر می‌شود که فراگیر با آرتیکل‌های مواجه شود و نیاز باشد ترکیب این آرتیکل‌ها با حروف اضافه را استفاده کند. در واقع به دلیل عدم وجود چنین ساختارهای در زبان‌های خارجی دیگر، زبان‌آموز در کاربرد این نوع آرتیکل‌ها دچار مشکل می‌شود. علاوه بر موارد ذکر شده باید گفت که قواعد دستوری در کاربرد آرتیکل‌ها تنها به آنچه گفته شد محدود نمی‌شود، بلکه زبان‌آموز به‌هنگام فراگیری مبحث آرتیکل‌ها باید نکات دیگری را نیز به‌خاطر داشته باشد. نکات مانند نکات دستوری که زبان‌آموز هنگام کاربرد آرتیکل‌ها می‌بایست به‌دنبال برخی از تغییرات در جمله، آن‌ها را رعایت کند. برای مثال، هنگامی که فعل جمله در حالت منفی قرار می‌گیرد زبان‌آموز باید تغییرات لازم را در مورد آرتیکل نامعین جمع و آرتیکل‌های بخش‌نما انجام دهد یا هنگامی که قبل از کلمه مورد نظر یکی از اصطلاحات کمیتی به کار رفته باشد باز هم باید آرتیکل نامعین جمع و نیز آرتیکل‌های بخش‌نما را تغییر داد. این موارد نیز میزان خطاهای زبان‌آموزان را افزایش می‌دهد. اما این مبحث، با توجه به ورود به دیگر مباحث دستوری، بحث و بررسی مستقلی را می‌طلبد که در این پژوهش نمی‌گنجد.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که زبان‌آموزان ایرانی در به‌کارگیری آرتیکل‌های زبان فرانسه با مشکلات عمده‌ای مواجه‌اند. همان‌طور که در جدول‌ها و نمودارها دیده شد، زبان‌آموزان سطح ابتدایی عملکرد بهتری نسبت به زبان‌آموزان سطح متوسط و پیشرفته داشته‌اند. از آنجایی که زبان‌آموزانی که قصد فراگیری زبان فرانسه دارند، در گام اول با مبحث آرتیکل‌ها که به‌ظاهر یکی از ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین مباحث دستوری این زبان است مواجه می‌شوند، می‌توانند در ابتدای راه عملکرد بهتری در زمینه کاربرد آرتیکل‌ها از خود نشان دهند. اما به‌مرور زمان با مباحث پیچیده‌تری

مواجه می‌شوند و به‌همین ترتیب اشکالات و خطاهای آن‌ها در به‌کارگیری آرتیکل‌ها بیشتر می‌شود تا آنجا که زبان‌آموزان سطح پیشرفته دیگر تصویر ابتدایی آرتیکل‌ها را از یاد برده‌اند و آن‌قدر درگیر مباحث اختصاصی و پیچیده زبانی شده‌اند که بیش از زبان‌آموزان سطح ابتدایی و متوسط دچار خطا می‌شوند.

در واقع آرتیکل عنصری بسیار پیچیده و در عین حال پویا در گفتار و نوشتار زبان فرانسه است. از این رو زبان‌آموزان باید از همان ابتدا تصویری دقیق، روشن و صحیح از آرتیکل‌ها در ذهن خود بسازند؛ اما از آنجایی که مفهوم آرتیکل‌ها در زبان مادری ما یعنی زبان فارسی، وجود ندارد، زبان‌آموز دچار مشکل می‌شود؛ زیرا زبان مادری نقش عمده‌ای در یادگیری زبان‌های خارجی ایفا می‌کند. با این حال اگر زبان‌آموزان از همان ابتدا و با کمک مدرسی خلاق، تصویری درست از نقش و جایگاه آرتیکل دریافت کنند و سپس با تمرین و ممارست در به‌کارگیری این عناصر زبانی بتوانند این مفاهیم را در ذهن خود تثبیت کنند، با خطاها و اشکالات کمتری مواجه خواهند شد. از سوی دیگر نباید نقش منابع آموزشی را نیز در این میان نادیده گرفت. در واقع منابع آموزشی موجود برای زبان‌آموزان فرانسه به توضیحات و تمریناتی ساده و حاشیه‌ای در زمینه آرتیکل‌ها محدود می‌شوند. از این رو زبان‌آموزان نمی‌توانند خود را به سطح قابل ملاحظه‌ای در این زمینه دستوری برسانند؛ چراکه سطحی از مفهومی پیچیده گذر کرده‌اند. در پایان باید گفت که بیشترین موارد خطا در زمینه کاربرد آرتیکل‌ها ناشی از تأثیر منفی زبان مادری است و گاه ناشی از تداخل زبان مادری با زبان خارجی مقصد. همچنین ممکن است زبان‌آموزان به دلیل آشنا نبودن با قواعد یا بی‌اطلاعی از برخی نکات دستوری، مرتکب خطا در زمینه کاربرد آرتیکل‌ها شوند.

کتابنامه

۱. اشرف‌الکتابی، ح. (۱۳۷۶). دستور زبان عربی. تهران: استاندار.
۲. آژنگ، ن. (۱۳۶۳). گرامر نوین انگلیسی. تهران: اسکندری.
۳. برازش، م. (۱۳۸۸). آشنایی با کشورهای جهان (فرانسه). مشهد: آفتاب هشتم.

۴. پارسایار، م. (۱۳۸۴). *دستور زبان فرانسه*. تهران: فرهنگ معاصر.
۵. پرویزی، پ. (۱۳۹۱). بررسی علل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در کاربرد حرف تعریف اسپانیایی. *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۲(۲)، ۵-۲۱.
۶. قریب، ع. (۱۳۶۶). *دستور زبان فارسی*. تهران: اشرافی.
۷. معین، م. (۱۳۶۲). *طرح و دستور زبان فارسی*. تهران: امیرکبیر.
8. Delatour, J., & Dufour, L. (1991). *Grammaire du français de la Sorbonne*. Paris: Hachette.
9. Grégoire, M. (2010). *Grammaire progressive du français*. Paris: CLE.
10. Miquel, C. (2004). *Communication progressive du française*. Paris: CLE.